

## پیام تسلیت دکتر پزشکیان در پی درگذشت حجت‌الاسلام امام جمارانی

رئیس‌جمهور در پیامی درگذشت عالم مجاهد حجت‌الاسلام امام جمارانی از یاران دیرین و صدیق نهضت امام خمینی (ره) را تسلیت گفت. دکتر مسعود پزشکیان در پیام تسلیت درگذشت حجت‌الاسلام امام جمارانی با اشاره به سابقه مبارزاتی این عالم مجاهد در تبیین معارف و ارزش‌های اسلامی و پشتیبانی از نهضت امام خمینی (ره) تصریح کرد: این روحانی مردمی و انقلابی، حضوری اثرگذار در تبیین معارف و ارزش‌های اسلامی و پشتیبانی از مبارزات مردمی داشت و نقشی مهم در تثبیت پیروی از رهبری امام خمینی ایفا کرد. پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی نیز با همان روحیه مردمی به انجام فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی خیرخواهانه پرداخت و نام و یاد ی نیک، از خود برج گذاشت.

🇮🇷🇮🇷🇮🇷

**هشدار نیروهای مسلح ایران به اقدام احتمالی آمریکا**

## سربازان آمریکایی و تجهیزات آنان را نابود می‌کنیم

سردار ابوالفضل شکارچی، سخنگوی ارشد نیروهای مسلح با هشدار به رئیس‌جمهور آمریکا، اظهار کرد: اظهارات و تهدیدهای مکرر دونالد ترامپ چیزی جز رجزخوانی و خیال پردازی نیست. وی افزود: نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران با اتکا به توان دفاعی و تهاجمی خود و پشتیبانی مردم شجاع، متحد و مقاوم کشور، تمامی تحرکات ارتش آمریکا و رژیم صهیونیستی را در منطقه، با دقت و آمادگی کامل رصد می‌کنند. سردار شکارچی حضور ارتش آمریکا در منطقه را در راستای «جنگ روانی، باج‌خواهی و قلدری» توصیف کرد و گفت: اگر مقامات واشنگتن از درایت و عقلانیت برخوردار باشند و توان واقعی نیروهای مسلح ایران را بشناسند، هرگز سخن از جنگ به میان نخواهند آورد. او هشدار داد که هر اقدام تحریک‌آمیز از سوی ارتش آمریکا یا گروه‌های تروریستی وابسته به آن، با پاسخ قاطع و ضربات کوبنده جمهوری اسلامی ایران روبه‌رو خواهد شد. سخنگوی ارشد نیروهای مسلح تأکید کرد: در صورت بروز هرگونه درگیری، سربازان آمریکایی و تجهیزات آنان نابود خواهند شد و تمامی منابع و منافع آمریکا در منطقه در تیررس آتش نیروهای ایرانی قرار خواهد گرفت. وی افزود: «ما ثابت کرده‌ایم که اهل جنگ طلبی نیستیم اما از جنگ نیز هراسی نداریم و قدرت‌ا کشور و منافع ملت عزیز ایران دفاع خواهیم کرد. سردار شکارچی در پایان خطاب به دولت آمریکا، هشدار داد: «هر اقدام نابخردانه موجب شعله‌ور شدن آتش فراگیر در منطقه خواهد شد و پاسخی دریافت خواهید کرد که تاکنون در تاریخ خود تجربه نکرده‌اید.»

🇮🇷🇮🇷🇮🇷

## حکم سیاسی فرانسه علیه مهدیه اسفندیاری

دادگاه فرانسه روز پنجشنبه مهدیه اسفندیاری، شهروند ایرانی را به اتهامی تحت عنوان «توجیه تروریسم» به یک سال زندان و ممنوعیت دائمی ورود به فرانسه محکوم کرد. برخی رسانه ها اعلام کردند این شهروند ایرانی به چهار سال حبس محکوم شده که سه سال آن تعلیقی و یک سال آن قطعی است.

براساس این گزارش، پرونده مهدیه اسفندیاری به ابزار چانه‌زنی برای مقامات پاریس تبدیل شده تا از آن برای آزادی دو شهروند فرانسوی یعنی سیسیل کوهلر و ژاک پاریس پس از سه سال بازداشت در ایران، استفاده کنند. این دو شهروند فرانسوی پس از حدود سه سال بازداشت، چند ماه پیش به‌صورت مشروط آزاد شدند و در حال حاضر در محل سفارت فرانسه در تهران تحت نظر هستند.

مهدیه اسفندیاری ۳۹ ساله که در ایران متولد شده و سال ۲۰۱۸ به فرانسه رفته، به‌دلیل حمایت از فلسطین و در ارتباط باترجمه مطالبی در خصوص وضعیت غزه به زبان فرانسوی بازداشت شده و توجیه تروریسم به عنوان اتهام او اعلام شده است.

نبیل بودی، وکیل اسفندیاری، روز چهارشنبه به خبرگزاری فرانسه گفته بود انتظار دارد دادگاه او تا برتره کند اما پس از اعلام حکم دادگاه تأکید کرد که به‌این حکم اعتراض خواهد کرد. او افزود: در مورد تبادل اسفندیاری با کوهلر و ژاک پاریس، همه چیز به تصمیمی بستگی دارد که باید به‌زودی اتخاذ شود.



مهدی سیف‌نیریزی

آگروه سیاسی

فعال بدر البوسعدی برگزار شد، از سوی سید عباس عراقچی «جدی‌ترین، طولانی‌ترین و بهترین» دور‌گفت‌وگو‌ها توصیف شد؛ توصیفی که نشان می‌دهد طرفین از مرحله‌تبادل کلیات عبور کرده و وارد سطحی عملیاتی‌تر شده‌اند.

مذاکرات از شامگاه چهارشنبه با دیدار عراقچی و وزیر خارجه عمان آغاز شد. پیشنهاده‌ها و ابتکارات ایران به میانجی منتقل و سپس به هیأت آمریکایی ارائه شد. صبح روز بعد، گفت‌وگوهای رسمی در ساختمان متعلق به عمان درزنوو با حضور هیأت‌های دو طرف و نیز رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی آغاز شد. پس از چند ساعت مذاکره فشرده، طرفین برای مشورت با پایتخت‌ها وقفه اعلام کردند و عصر همان روز نشست ادامه یافت. نتیجه نهایی اما توافق برای آغاز مذاکرات فنی در وین و ورود به «عناصر یک توافق در حوزه هسته‌ای و تحریم‌ها بود. وزیر خارجه عمان نیز با اعلام «پیشرفت قابل توجه» از ادامه گفت‌وگو‌ها در سطح کارشناسی خبر داد.

### دور وایت اززنو: خوشبینی مشروط با یابست‌بپناه؟

بلافاصله پس از پایان دور سوم، دو خط خبری در رسانه‌های بین‌المللی شکل گرفت. روایت مثبت؛ که در پایان دور سوم مذاکرات آن را به پنجره‌ای برای توافق تعبیر کرد. رسانه‌های اروپایی و برخی محافل دیپلماتیک، تمرکز خود را بر «ورود به عناصر توافق» و «انتقال پرونده به سطح فنی» قرار دادند. در ادبیات مذاکراتی، ورود تیم‌های کارشناسی به جزئیات، نشانه کنترل مرحله بی‌اعتمادی سیاسی و حرکت به سمت طراحی چارچوب عملیاتی است. این تحلیلگران معتقدند تهران با حفظ خطوط قرمز خود، انعطاف محاسبه‌شده‌ای نشان داده و واشنگتن نیز به این جمع‌بندی رسیده که سیاست فشار حداکثری به بن‌بست رسیده است.

از سوی دیگر روایت منفی بود که بلافاصله پس از پایان دور سوم مذاکرات به عنوان خط خبری در برخی رسانه‌های تندرو آمریکایی و اسرائیلی منتشر شد و بر سایه تردید و تهدید تمرکز کرد. این خط خبری بر «اختلافات حل‌نشده» تمرکز کردند. موضوعاتی چون سطح غنی‌سازی، سازوکار رفع تحریم‌ها و تضمین‌های اجرایی همچنان محل مناقشه معرفی شد. برخی تحلیل‌ها حتی احتمال شکست مذاکرات و بازگشت به سناریوی فشار نظامی را مطرح کردند. این روایت منفی، بیش از آن‌که مبتنی بر داده‌های مذاکراتی باشد، بازتاب‌دهنده رقابت‌های سیاسی در واشنگتن است؛ رقابتی که اکنون خود به یکی از متغیرهای اثرگذار بر روند دیپلماسی تبدیل شده است. تحلیل این دور وایت‌نشان می‌دهد هر دو حاوی بخشی از واقعیت‌اند. مذاکرات پیچیده امنیتی–هسته‌ای به‌درت جهش ناگهانی دارند؛ بلکه با انبساط

### یادداشت حسن بهشتی پور کارشناس مسائل بین‌الملل

### مذاکره در سایه عدم قطعیت

دور تازه گفت‌وگوهای هسته‌ای، گرچه در فضایی آکنده از عدم قطعیت برگزار شد، نشانه‌هایی از پیشرفت نسبی در تعاملات دیپلماتیک را به همراه داشت. بر پایه اظهارات دکتر عراقچی، فضای مذاکرات نسبت به مراحل پیشین تغییر کرده و از سطح گفت‌وگوهای پراکنده به چارچوبی منسجم‌تر رسیده‌است. توافق بر سر دستور کار مشترک و تصمیم به ادامه مذاکرات در سطح کارشناسان فنی، نشان می‌دهد که گفت‌وگوها از مرحله مقدماتی و کلی‌گویی عبور کرده و وارد مسیر تخصصی‌تر و قابل ارزیابی شده‌اند. در ارزیابی این تحولات، می‌توان گفت که هرچند آینده مذاکرات همچنان در وضعیت عدم قطعیت قرار دارد، نسبت به دو مرحله قبل، شکل‌گیری چارچوب مشخص، خودنشانه‌ای از حرکت روبه‌جلو است. وجود توافق بر سر اصول کلی، ولو نهایی نباشد، یعنی طرفین در نقطه‌ای حداقلی از فهم مشترک ایستاده‌اند. این خود یک دستاورد در شرایطی است که اعتماد متقابل فرسوده و فشارهای سیاسی خارجی همچنان سنگین است.

در همین راستا، برخی تحرکات دیپلماتیک همزمانی قابل توجهی پیدا کرده‌اند؛ از جمله سفر وزیر خارجه عمان به ایالات متحده و دیدار او با مقام‌های بلندپایه آمریکایی، که ناظران آن را نشانه‌ای از تداوم گفت‌وگوهای غیرمستقیم میان تهران و واشنگتن در چارچوب پرونده هسته‌ای دانسته‌اند. محور اصلی این گفت‌وگوها همچنان بر موضوع لغو تحریم‌ها متمرکز است، در حالی که دو طرف بر سر عدم طرح مباحث امنوشکی و منطقه‌ای در این مرحله توافق دارند. این تفکیک حوزه‌ها، اگر حفظ شود، می‌تواند مسیر مذاکرات را از پیچیدگی‌های امنی و دامنه‌دار منطقه‌ای دور نگه دارد. و به تمرکز بر پرونده هسته‌ای کمک کند. همزمان گفته می‌شود که قطر و عمان در حال رایزنی برای شکل‌دهی یک چارچوب همکاری امنیتی منطقه‌ای میان ایران و کشورهای حوزه خلیج فارس هستند. تلاشی که هدف آن کاستن از نگرانی‌های همسایگان و بیرون کشیدن گفت‌وگوهای امنیتی از مدار رقابت‌های بین‌المللی است. این طرح اگر به مرحله نهایی برسد، می‌تواند شالوده‌ای برای مدیریت

### یادداشت نوذر شیعی کارشناس مسائل شبه‌قاره سایه جنگ بر خط دیورند

وقتی درباره تنش نظامی تازه میان افغانستان و پاکستان صحبت به میان می‌آید، معتقدم برای فهم ریشه‌های آن باید به چند عامل اساسی توجه کرد؛ هرچند دلایل متعددی می‌توان برشمرد. اما سه علت برجسته‌تر از بقیه است. نخستین و بنیادی‌ترین عامل، مسأله خط دیورند است؛ همان سوزی که افغانستان و پاکستان را از یکدیگر جدا می‌کند و هیچ‌گاه از مرز دولت‌های افغانستان به رسمیت شناخته نشده است. طی سال‌های اخیر، پاکستان اقدام به دیوارکشی در امتداد این مرز کرده است. از نگاه طالبان، این



تدریجی توافق‌های خرد پیش می‌روند. از سوی دیگر، تجربه تاریخی نشان داده‌است که آمریکا غالباً با مذاکرات به عنوان ابزاری برای مدیریت بحران، نه حل ریشه‌ای آن استفاده می‌کند.

### دیپلماسی عمان و مهار سوءبرداشت‌های منطقه‌ای

در میانه این فضای مبهم، نقش عمان برجسته‌تر شده‌است. مسقط در هفته‌های اخیر تماس‌هایی با بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای برقرار کرده تا از شکل‌گیری «ادراک اشتباه» درباره روند مذاکرات جلوگیری کند. سفر فوری بدر البوسعدی به واشنگتن و دیدار با جی‌دی ونس فقط یک رایزنی معمول دیپلماتیک نبود. این سفر



آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارش فصلی خود که رونوشتی از آن در رسانه‌ها در یافته‌است، مدعی شده که به دلیل دسترسی نداشتن به هر ۴ تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم اعلام‌شده در ایران نمی‌تواند تأیید کند که فرایند غنی‌سازی در ایران به کلی به تعلیق درآمده است. شبکه سی‌جی‌تی‌ان با استناد به رونوشتی از این گزارش نوشت: آژانس می‌گوید به همین دلیل قادر نیست هیچ اطلاعاتی درباره مقدار یا محل فعلی ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران ارائه یا اعلام کند که آیا (ایران)

منطقه‌ای بحران‌ها ایجاد کند؛ هرچند هنوز در حد پیشنهاد است. باوجود این پیشرفت‌های نسبی، موانع جدی نیز پابرجاست. سیاست‌های رژیم صهیونیستی همچنان مهم‌ترین عامل بیرونی بازدارنده روند توافق است؛ تل‌آویو آشکارا در پی آن است که هرگونه تفاهم میان تهران و واشنگتن را پیش از آن‌که مسأله امنیت اسرائیل تعیین تکلیف شود، مختل سازد. نکته دیگر، نحوه ادامه مذاکرات در دو سطح سیاسی و فنی است؛ همزمانی این دو مسیر نشان می‌دهد طرفین به چارچوبی مشخص رسیده‌اند و حال باید جزئیات فنی را در همان قالب بررسی کنند. این امر در دوره‌های گذشته ناممکن بود؛ زیرا هنوز نقشه مذاکرات روشن نشده بود. اکنون، تعریف دقیق چارچوب، گفت‌وگوهای فنی را معنا دار کرده‌است. در بخش هسته‌ای، ایران بر آمادگی خود برای اعتمادسازی و عمل شفاف تأکید دارد. حضور رافائل گروسی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در مذاکرات امروز، نشانه تعهد ایران به نظارت بین‌المللی تلقی می‌شود. هرچند نقدهایی بر عملکرد آژانس مطرح است اما واقعیت آن است که هیچ نهاد دیگری در نظام بین‌الملل جایگزین نظارت فنی آژانس نیست. از این رو، تداوم همکاری با این نهاد برای رفع پنهانه‌های طرف مقابل و جلوگیری از بازتولید فشارهای سیاسی در پوشش مسائل فنی ننتها ضروری بلکه راهبردی است.

سومین محور قابل توجه در تحلیل این دور از گفت‌وگوها، ماهیت مرحله‌ای توافق احتمالی است. رویکرد مذاکره‌کنندگان براساس گام‌های متقابل و همزمان طراحی شده است؛ بدین معنا که هر اقدام ایران باید در برابر اقدام طرف مقابل قرار گیرد، نه پیش‌دستانه

و یک طرفه. چنین الگویی می‌تواند از تکرار تجربه‌های تلخ گذشته جلوگیری کند؛ زمانی که ایران تعهدات خود را اگر کارآمد طرف مقابل

در عمل، به وعده‌های خود پایبند نماند. در نهایت گرچه مذاکرات هنوز به نقطه تصمیم نهایی نرسیده، واجد نشانه‌هایی از پویایی و سازمان‌یافتگی است. شکل‌گیری دستور کار، تفکیک موضوعات، همکاری منطقه‌ای و اعتمادسازی هسته‌ای، هر یک در جای خود عناصر مثبت این مرحله‌اند اما در سوی مقابل، کارشکنی‌های

اسرائیل، بی‌اعتمادی ریشه‌دار و پیچیدگی فضای منطقه، همچنان سایه سنگینی بر مسیر توافق افکنده‌اند.

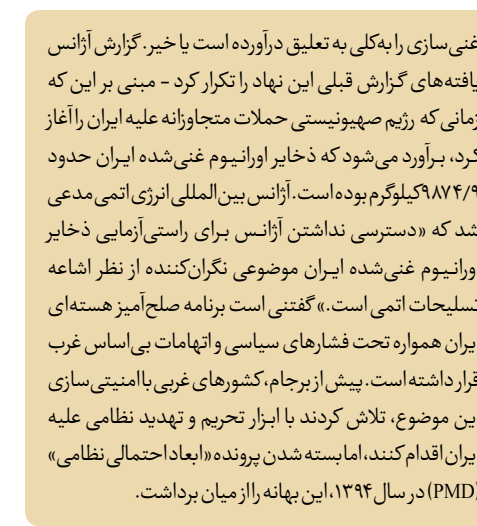
اقدام به معنای تثبیت رسمی خط دیورند به عنوان مرز قطعی میان دو کشور است؛ موضوعی که از سوی افغانستان پذیرفته نیست و همین مسأله، بذریک تنش عمیق و تاریخی را دوباره فعال کرده است. عامل دوم، حضور و فعالیت «تحریک طالبان پاکستان» (TTP) در خاک افغانستان است. این گروه که در افغانستان پناه گرفته، عملیات نظامی خود را در داخل خاک پاکستان انجام می‌دهد. در ظاهر، نگرانی پاکستان از آن است که طالبان افغانستان به دشمنان این کشور اجازه ایجاد پناهگاه می‌دهد اما مسأله فقط این نیست. به باور من، تحریک طالبان پاکستان از نظر هویتی، پیوند عمیقی با طالبان افغانستان دارد. قلمرویی که امروز ایران به درگیری‌هاست، عملاً سرزمین پشتون‌هاست و همین اشتراک هویتی سبب می‌شود حمایت طالبان افغانستان از تحریک

# شطرنج تهران در زنو

## مستاجر کاخ سفید در محاصره نظرات متناقض پیرامون استفاده از گزینه نظامی یا دیپلماتیک، دچار سردرگمی شده است



حامل دو پیام کلیدی بود: نخست، انتقال ارزیابی واقع‌بینانه از هزینه‌های جنگ با ایران و دوم، جلوگیری از شکل‌گیری سوءادراک در محاسبات کاخ سفید. ونس در گفت‌وگویی رسانه‌ای ضمن ترجیح دیپلماسی، احتمال حمله محدود به ایران را به‌طور کامل رد نکرد؛ موضعی که از منظر منطقه‌ای، یک خط‌ای راهبردی محسوب می‌شود. کشورهای حاشیه خلیج فارس به خوبی می‌دانند که هرگونه درگیری با ایران محدود باقی نخواهد ماند و پیامدهای آن دامنه‌ای فراتر از یک عملیات نظامی مقطعی خواهد داشت. عمان که تجربه سال‌ها میانجیگری در پرونده‌های پیچیده منطقه‌ای را دارد، در این مقطع می‌کوشد مانع از غلبه برداشت‌های ساده‌انگارانه درباره



### مذاکره روی ریل فنی

در پی برگزاری دور سوم مذاکرات، طبیعی است که این پرسش مطرح شود ارزیابی ما از روند گفت‌وگوها چیست و تا چه اندازه می‌توان با نگاه مثبت به آینده نگریست؛ به‌ویژه اکنون که قرار شده مرحله بعدی در سطح فنی دنبال شود. آن‌گونه که آقای عراقچی اعلام کرده، دوشنبه آینده نیروهای فنی و تخصصی مذاکرات خود را آغاز خواهند کرد. این دور از گفت‌وگوها نسبت به دوره‌های قبل عملیاتی‌تر بود و در فضای مناسب‌تری برای تصمیم‌گیری پیش رفت. با این حال ما همچنان تأکید می‌کنیم که بی‌اعتمادی کشورمان نسبت به آمریکا همچنان پابرجاست. امیدوارم هم‌آنها و هم عامل منطقه‌ای‌شان، یعنی رژیم صهیونیستی، اشتباه گذشته را تکرار نکنند. بدون تردید اگر کوچک‌ترین تعرضی از سوی آمریکا یا رژیم صهیونیستی صورت گیرد، واکنش جمهوری اسلامی ایران به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با جنگ ۱۲ روزه نخواهد بود و قطعاً شرایط بسیار سخت‌تری برای آنها در منطقه ایجاد خواهد شد. بنابراین امیدواریم مبنای ادامه مذاکره توسط آنها باید صداقت در رفتار و گفتار باشد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری نیز تأکید کرده‌اند، اگر اقدامی علیه جمهوری اسلامی ایران صورت گیرد، با واکنش جدی مواجه خواهند شد. چنین وضعیتی نه به سود آمریکاست و نه به نفع منطقه. حتی نخستین واکنش جهانی به یک رویداد فرضی در این سطح، می‌تواند جهش شدید قیمت‌ها باشد؛ رخدادی که بر بسیاری از ارکان اقتصادی جهان اثر خواهد گذاشت. همان‌طور که جمهوری اسلامی ایران با صداقت مذاکره می‌کند و برای دور بعد نیز موافقت خود را اعلام کرده‌است، حتی درباره ورود به مباحث فنی، تصمیم‌گیری مشترک صورت گرفت تا دوشنبه آینده گفت‌وگوهای تخصصی با مسئولان آژانس انجام شود. امیدوارم کار در همین مسیر رو به جلو حرکت کند و طرف مقابل از تکرار اشتباهات گذشته بپرهیزد.

این که مذاکرات وارد مرحله فنی می‌شود، امری طبیعی است. هر

«جنگ کوتاه و کم‌هزینه» شود. در عین حال، برخی نشانه‌ها حاکی از آن است که بازیگران دیگری نیز در حال رصد دقیق وضعیت‌اند. هشدارهای احتیاطی درباره امنیت دیپلماتیک، از جمله گزارش‌هایی درباره بررسی تخلیه احتمالی برخی کارکنان سفارت آمریکا در سرزمین‌های اشغالی یا توصیه‌های احتیاطی یکن به شهروندان خود درباره تحولات منطقه، بیانگر آن است که جامعه بین‌المللی خطر سوءمحاسبه را جدی می‌داند.

### شکاف در کاخ سفید؛ دیپلماسی یا تقابل؟

یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر آینده مذاکرات، اختلاف نظرهای درونی در واشنگتن است. براساس گزارش‌های منتشرشده، طیفی از چهره‌های نزدیک به رئیس‌جمهور آمریکا، از جمله ژنرال جک کین، جی‌دی ونس، استیو ویتکاف و حتی جرد کوشر، بر ضرورت ادامه مسیر دیپلماسی و پرهیز از جنگ مستقیم تأکید دارند. استدلال آنان بر پایه هزینه‌های سنگین نظامی، بی‌ثباتی بازار انرژی و احتمال درگیر شدن نیروهای آمریکایی در یک منازعه فرسایشی است. در مقابل، چهره‌هایی مانند ماکروزیو و مایک والترز مواضع سختگیرانه‌تری اتخاذ کرده و خواهان فشار حداکثری و حتی گزینه‌های نظامی‌اند. جریان نخست، ایران را بازیگری تثبیت‌شده می‌بیند که باید با آن به توافقی قابل مدیریت رسید. جریان دوم، همچنان در چارچوب راهبرد مهار و فشار ساختاری می‌اندیشد. چنین شکافی می‌تواند مستقیماً به میز مذاکره منتقل شود. هر پیام متناقض از واشنگتن، اعتمادسازی را دشوارتر می‌کند و امکان رسیدن به چارچوبی پایدار را کاهش می‌دهد.

### قایق‌های تودپ؛ دیپلماسی در سایه نمایش قدرت

همزمان با ادامه مذاکرات، نشانه‌هایی از تحرکات نظامی آمریکا در منطقه مشاهده می‌شود که از منظر نظریه‌های روابط بین‌الملل، یادآور راهبرد «دیپلماسی قایق‌های تودپ» است؛ یعنی ترکیب گفت‌وگو با نمایش قدرت سخت برای افزایش اهرم فشار. هدف این راهبرد روشن است: ایجاد فشار روانی و نظامی برای کسب امتیاز بیشتر در میز مذاکره اما تجربه نشان داده‌است که جمهوری اسلامی ایران آن‌تنه‌تحت چنین فشارهایی عقب‌نشینی نکرده، بلکه انسجام داخلی و اراده دفاعی خود را تقویت کرده است. گزارش‌هایی درباره جابه‌جایی برخی یگان‌های نظامی آمریکا در خلیج فارس، تقویت سامانه‌های پدافندی در پایگاه‌های منطقه‌ای و افزایش گشت‌های دریایی منتشر شده‌است. چنین اقداماتی، اگرچه از سوی واشنگتن «اقدامات احتیاطی» خوانده می‌شود اما در عمل پیام روشنی دارد: آمریکا می‌کوشد میز مذاکره را با سایه تهدید نظامی همراه کند. با این حال، تجربه سال‌های اخیر نشان داده که ایران، در برابر چنین الگوهایی، رویکردی ترکیبی از بازدارندگی و خویشننداری را در پیش گرفته‌است. این رویکرد، به تعبیر بسیاری از تحلیلگران، شبیه به بازی شطرنجی است که در آن هر حرکت، با در نظر گرفتن چند گام بعدی طراحی می‌شود. در این چارچوب، ایران نه میز مذاکره را ترک کرده و نه در برابر فشار نظامی دچار واکنش احساسی شده است. این «مدیریت همزمان دیپلماسی و بازدارندگی»، نقطه ثقل استراتژی تهران محسوب می‌شود. استراتژی‌ای که براساس آن، آمریکا نمی‌تواند صرفاً با نمایش قدرت نظامی، امتیاز سیاسی بگیرد.

توافق احتمالی مکتوب نیازمند بررسی دقیق ابعاد فنی است؛ به‌ویژه آن‌که محور مذاکرات موضوع هسته‌ای است و روی دیگر این سکه، رفع تحریم‌ها قرار دارد. همه این موارد باید شفاف، دقیق و مکتوب شود تا بتواند مبنای یک توافق احتمالی باشد. بنابراین حضور نیروهای تخصصی در این مرحله کاملاً منطقی و ضروری است. در خصوص پذیرش هرگونه محدودیت نیز باید صریح خاطرنشان کرد که طبق عهدنامه منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) ما هیچ الزامی برای محدودسازی فعالیت‌های خود نداریم و حتی غنی‌سازی در سطوح بالا نیز براساس نیاز کشور قابل انجام است. اگر بنا باشد جمهوری اسلامی ایران محدودیتی در فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود بپذیرد، مایه‌آزای آن باید رفع تحریم‌ها باشد. این یک معادله دوطرفه و کاملاً روشن به‌شمار می‌رود که مبتنی بر حفظ منافع ملی جمهوری اسلامی ایران تعریف می‌شود و صریحاً نیز به طرف آمریکایی اعلام شده‌است. درباره چالش‌های پیش‌رو نیز معتقدم مهم‌ترین مسأله آن است که طرف مقابل بخواهد وارد حوزه‌هایی شود که اساس ارتباطی با موضوع مذاکره ندارد. توانمندی امنوشکی و پهپادی ما ابزار بازدارندگی و دفاع از کشور است و به‌هیچ‌وجه نمی‌توانیم در این زمینه محدودیتی را بپذیریم؛ به‌ویژه در شرایطی که با دشمنانی مانند رژیم صهیونیستی و آمریکا مواجه هستیم که هر یک به صدها هزاران لاکه هسته‌ای مجهزند. منطقی نظامی و عقلانیت امنیت ملی حکم می‌کند که توان دفاعی خود را حفظ کنیم. در خصوص روابط منطقه‌ای نیز همان‌گونه که آمریکا با برخی کشورهای منطقه ائتلاف نظامی دارد و پایگاه‌هایی در اختیار گرفته، جمهوری اسلامی ایران هم طبیعی است که با برخی مراکز قدرت در منطقه ارتباطات ویژه داشته باشد. ورود به این حوزه‌ها نباید در دستور کار مذاکرات قرار گیرد. دایره گفت‌وگوها باید محدود به موضوع هسته‌ای و رفع تحریم‌ها باشد. در نهایت، هرگونه توافقی در این چارچوب زمانی قابل قبول خواهد بود که پایدار، قابل انکا و مبتنی بر تصمیم جدی طرف مقابل باشد. اگر صداقت مبنای کار قرار گیرد و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران به‌طور کامل تأمین شود، مسیر دستیابی به توافقی مکتوب و ماندگار هموار خواهد شد.

هند نیز از گرایش‌های تجزیه‌طلبانه در میان بلوچ‌ها و پشتون‌های پاکستان حمایت کرده است. این معادله متقابل، سطح تنش را از یک اختلاف مرزی فراتر می‌برد و آن را به یک رقابت ژئوپلیتیکی گسترده تبدیل می‌کند. هر سه عامل یادشده ماهیتی استراتژیک دارند و حتی می‌توانند زمینه‌ساز یک جنگ گسترده و طولانی‌مدت باشند. در شرایط فعلی، به نظر می‌رسد این درگیری‌ها دست‌کم در کوتاه‌مدت ادامه پیدا کنند؛ مگر آن‌که به‌ویژه طرف افغان به این جمع‌بندی جدی که در برابر تجهیزات پیشرفته نظامی پاکستان با محدودیت برسد موافقه است و به سمت آتش‌بس حرکت کند. در غیر این صورت، احتمال سربایت درگیری‌ها به مناطق پشتون‌نشین پاکستان وجود دارد؛ وضعیتی که می‌تواند برای اسلام‌آباد در سراهای امنیتی بزرگی ایجاد کند.